

راهبرد ملی ارتقای سواد رسانه‌ای: خلاصه سیاستی

خلاصه اجرایی:

گسترش بی‌سابقه اطلاعات نادرست در بستر شبکه‌های اجتماعی، به‌ویژه در جریان بحران‌هایی همچون همه‌گیری کووید-۱۹، به یکی از جدی‌ترین چالش‌های سلامت عمومی، اعتماد اجتماعی و حکمرانی مؤثر در کشور تبدیل شده است. پدیده «اینفودمیک» با ایجاد سردرگمی، تردید نسبت به منابع رسمی، و بازنشر گسترده اخبار جعلی، اثربخشی بسیاری از سیاست‌های ملی را تضعیف کرده و نشان داده که صرف داشتن دانش پزشکی یا برنامه‌ریزی سلامت، بدون توجه به مدیریت فضای اطلاعاتی، کافی نیست. در این میان، پایین بودن سطح سواد رسانه‌ای در بخش قابل توجهی از جامعه، ضعف زیرساخت‌های فناورانه برای مقابله مؤثر با شایعات، و ناتوانی نهادهای رسمی در برقراری ارتباط فوری و معتبر با مردم، به‌ویژه در شبکه‌های اجتماعی، آسیب‌پذیری کشور را افزایش داده است. از این رو، تدوین و اجرای یک سیاست جامع مقابله با اینفودمیک، که آموزش، واکنش سریع، فرهنگ‌سازی و توسعه فناوری را به‌طور یکپارچه در بر گیرد، ضرورتی فوری و راهبردی برای ارتقای تاب‌آوری اجتماعی و بازسازی اعتماد عمومی به‌شمار می‌آید. این سیاست نه تنها در راستای حفظ سلامت و امنیت اجتماعی است، بلکه برای ارتقای کارآمدی حکمرانی در عصر دیجیتال، اقدامی بنیادین به‌شمار می‌آید.

بیان مسأله، زمینه و مشکل:

هم‌زمان با شیوع جهانی ویروس کووید-۱۹، جهان نه فقط با یک بحران بهداشتی، بلکه با بحرانی موازی و پنهان‌تر به نام «همه‌گیری اطلاعات نادرست» یا اینفودمیک (Infodemic) روبه‌رو شد. اینفودمیک به وضعیتی اطلاق

می‌شود که در آن حجم گسترده‌ای از اطلاعات—چه درست و چه نادرست—در زمانی کوتاه و به‌ویژه از طریق بسترهایی چون شبکه‌های اجتماعی، گروه‌های پیام‌رسان و پلتفرم‌های غیررسمی، در میان مردم منتشر می‌شود. در چنین شرایطی، یافتن اطلاعات معتبر از میان انبوهی از پیام‌های متناقض و گاه خطرناک، به چالشی جدی بدل می‌شود.

در طول بحران کووید-۱۹، اطلاعات نادرست پیرامون موضوعاتی چون منشأ ویروس، اثربخشی یا خطرات واکسن‌ها، درمان‌های غیرعلمی، تئوری‌های توطئه و حتی اخبار جعلی مربوط به محدودیت‌های اجتماعی، به سرعت و گاه با جذابیتی فریبنده در سطح جامعه گسترش یافتند. این موج اطلاعات ناسالم نه تنها موجب سردرگمی مردم شد، بلکه به شکل مستقیم به تضعیف اعتماد عمومی نسبت به نهادهای رسمی، کاهش همراهی با سیاست‌های سلامت عمومی، و افزایش مقاومت در برابر واکسیناسیون و رعایت دستورالعمل‌های بهداشتی انجامید.

یکی از عوامل اصلی تشدیدکننده این وضعیت، نبود ارتباطات مؤثر و به‌موقع از سوی نهادهای رسمی، ضعف حضور رسانه‌های معتبر در فضای دیجیتال، و مهم‌تر از همه، سطح پایین سواد رسانه‌ای در بخش بزرگی از جامعه بود. در غیاب مهارت‌هایی همچون تحلیل انتقادی پیام‌ها، تشخیص منابع معتبر، شناسایی تاکتیک‌های فریب رسانه‌ای و درک سوگیری اطلاعات، بسیاری از شهروندان در برابر موج اطلاعات نادرست آسیب‌پذیر شدند. کاربران عادی، بدون آگاهی کافی از تبعات رفتار رسانه‌ای خود، به بازنشر این پیام‌ها دامن زدند و به‌صورت ناخواسته در گسترش بحران نقش ایفا کردند.

در مقابل، تجربه نشان داد جوامعی که آموزش‌های رسانه‌ای مؤثر دریافت کرده بودند و از سطوح بالاتری از سواد رسانه‌ای برخوردار بودند، هم کمتر فریب اطلاعات نادرست را خوردند و هم نقش فعالی در مقابله با آن ایفا کردند. این افراد، توانستند پیام‌های جعلی را شناسایی کرده، به اطرافیان هشدار دهند، و به عنوان کنشگرانی آگاه در فضای رسانه‌ای ظاهر شوند. در واقع، سواد رسانه‌ای همچون نوعی «**ایمنی روانی**» در برابر آلودگی اطلاعاتی عمل می‌کند—توانی پیشگیرانه که به افراد قدرت تشخیص، تحلیل و واکنش مسئولانه می‌بخشد.

مطالعات بین‌المللی از جمله پژوهش‌های دولت بریتانیا و کمیسیون اروپا بر این نکته تأکید دارند که آموزش گسترده سواد رسانه‌ای، به‌ویژه از طریق نظام‌های آموزشی و رسانه‌های عمومی، می‌تواند به‌مثابه یک راهبرد سیاستی حیاتی برای تقویت تاب‌آوری جوامع در برابر اینفودمیک عمل کند. همچنین یافته‌های مطالعاتی دیگر نشان می‌دهد که ارتقای توان مردم در «تقویت اطلاعات صحیح» و «اصلاح اطلاعات نادرست» در محیط‌های دیجیتال، به کاهش چشمگیر گسترش شایعات و اخبار جعلی منجر می‌شود.

بر این اساس، افزایش سواد رسانه‌ای عمومی را نه صرفاً یک اقدام فرهنگی، بلکه ضرورتی استراتژیک برای سلامت عمومی و امنیت اجتماعی باید تلقی کرد. سیاست‌گذاران، نهادهای آموزشی، رسانه‌ها و بخش فناوری اطلاعات، باید به صورت هماهنگ و پایدار، سرمایه‌گذاری مؤثری در این حوزه داشته باشند تا زمینه برای ایجاد جامعه‌ای مقاوم‌تر در برابر بحران‌های اطلاعاتی فراهم شود.

گزینه های سیاستی

در جدول زیر گزینه های سیاستی پیشنهادی برای **ارتقای سواد رسانه‌ای به عنوان یک راهبرد ملی** آورده شده است. این جدول هر راهکار را با توجه به مزایا، معایب، الزامات

اجرائی و موانع احتمالی به طور خلاصه دسته‌بندی کرده است:

شماره	راهکار	شرح کلی	مزایا	معایب
۱	برنامه ملی آموزش سواد رسانه‌ای	نهادینه‌س از سواد رسانه‌ای از طریق نظام آموزشی رسمی، آموزش معلمان و همکاری نهادهای آموزشی و رسانه‌ای	ایجاد فرهنگ تحلیل انتقادی از سنین پایین، کاهش آسیب‌پذیری در برابر اطلاعات نادرست در بلندمدت	زمان‌بر بودن اثرگذاری، نیاز به هماهنگی نهادی، چالش در منابع انسانی و مالی
۲	گروه‌های واکنش سریع اطلاعاتی در بحران‌های سلامت	تشکیل تیم‌های تخصصی برای رصد شایعات و تولید محتوای اصلاحی معتبر در بحران‌ها	افزایش اعتبار و فهم‌پذیری پیام‌ها، بازسازی اعتماد عمومی	وابستگی به اعتماد اجتماعی، تأخیر در ایجاد در نبود برنامه‌ریزی قبلی
۳	فناوری‌های شناسایی و اصلاح اطلاعات غلط	استفاده از ابزارهای فناورانه مانند هوش مصنوعی برای تشخیص و هشدار درباره	سرعت بالا در تحلیل داده‌ها، مقیاس‌پذیری، مشارکت عمومی بیشتر	نیاز به زیرساخت قوی، احتمال خطا، چالش‌های حریم خصوصی و اعتماد کاربران

		اطلاعات جعلی		
۴	کمپین‌های آگاهی عمومی و فرهنگسازي رسانه‌ای	اجرای کمپین‌های ساده، تصویری و در بسترهای محبوب برای تغییر رفتار کاربران	اثرگذاری سریع، قابل اجرا در مقیاس گسترده، تقویت هنجارهای اجتماعی	اثرگذاری کوتاه‌مدت، نیاز به تکرار و طراحی حرفه‌ای، احتمال مقاومت مخاطبان
۵	پشتیبانی از پژوهش و تولید دانش حوزه اینفودمیک	ایجاد مراکز تخصصی تحقیقاتی و حمایت از مطالعات بین‌رشته‌ای برای تحلیل رفتار اطلاعاتی	تدوین سیاست‌های مبتنی بر شواهد، تولید دانش بومی، جامعیت راهکارها	زمان‌بر بودن فرایند تحقیق، عدم تضمین استفاده از نتایج در سیاست‌گذاری

تشکیل تیم‌های دائمی از متخصصان برای رصد شایعات، تولید محتوای اصلاحی معتبر و همکاری با چهره‌های قابل اعتماد، با بودجه‌ریزی پایدار و زیرساخت واکنش سریع.

۳. فناوری‌های شناسایی اطلاعات غلط

توسعه ابزارهای هوشمند (مانند اپلیکیشن‌ها) برای تشخیص اخبار جعلی، گزارش مردمی، و هشدار آنی، با حمایت از استارت‌آپ‌ها و حفظ حریم خصوصی کاربران، و اتصال به پلتفرم‌های داخلی.

۴. فرهنگ‌سازی رسانه‌ای و آگاهی عمومی

اجرای کمپین‌های ساده و تصویری با پیام‌های واضح در رسانه‌های پرمخاطب و فضای مجازی برای تغییر رفتار کاربران، همراه با تکرار مداوم، بازخوردگیری و ارزیابی تأثیر.

۵. پشتیبانی از پژوهش و تولید دانش

ایجاد مراکز پژوهشی بین‌رشته‌ای برای بررسی اینفودمیک، طراحی بانک داده‌های ملی، و ایجاد سازوکار برای انتقال یافته‌ها به سیاست‌گذاران و تولید منابع علمی بومی.

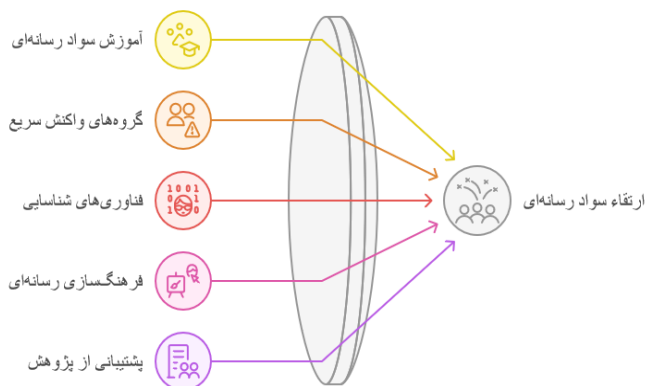
توصیه‌های سیاستی

۱. برنامه ملی آموزش سواد رسانه‌ای

ایجاد چارچوبی ملی با مشارکت نهادهای آموزشی و فرهنگی برای آموزش سواد رسانه‌ای از طریق دروس رسمی مدارس و دانشگاه‌ها، توانمندسازی معلمان، تولید محتوای جذاب، و ارزیابی مستمر اثربخشی آموزش.

۲. گروه‌های واکنش سریع اطلاعاتی در بحران‌ها

نقشه راه سواد رسانه‌ای



نویسندگان: وحیده زارع گاوگانی^۱، مینا محامی اسکویی^۲،
امیر سرفراز^۳

قدردانی: این خلاصه سیاستی از طرح پژوهشی مصوب
دانشگاه علوم پزشکی تبریز با کد اخلاق
[IR.TBZMED.REC.1401.756](https://doi.org/10.21860/IR.TBZMED.REC.1401.756) مستخرج شده است.

تضاد منافع: هیچ تضاد منافی وجود ندارد

References:

Amir Sarfaraz. Investigation of the Effective Approaches for Promotion of Media Literacy Tackling the Health Related Infodemics with emphasis on COVID-19 in Iran from the Information Specialists Point of View [Thesis of M.Sc.]. 2024.

McDougall J, Fowler-Watt K, Edwards L. Media literacy in the time of Covid. Sociologia della comunicazione: 62, 2, 2021. 2021:50-68.

Vraga EK, Tully M, Bode L. Empowering users to respond to misinformation about Covid-19. Media and Communication. 2020;8(2):475-9

۱. استاد کتابداری و اطلاع رسانی پزشکی، مرکز تحقیقات مدیریت خدمات بهداشتی درمانی تبریز، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران

۲. استادیار کتابداری و اطلاع رسانی پزشکی، گروه کتابداری و اطلاع رسانی پزشکی، دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران

۳. کارشناسی ارشد کتابداری و اطلاع رسانی پزشکی، گروه کتابداری و اطلاع رسانی پزشکی، دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران